



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

تعیین تأثیر خلاقیت و روش های تدریس فعال بر یادگیری دانش آموزان در درس زبان انگلیسی

الهام ارباب^۱، سعیدبیت شیخ احمد^۲، عبدالستار آرا^۳، ریاض تخش^۴

۱- کارشناسی روان شناسی عمومی

۲- کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی

۳- دانشجوی کارشناسی تربیت بدنی، فرهنگي

۴- کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه ریزی آموزشی

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین تأثیر خلاقیت و روش های تدریس فعال بر یادگیری دانش آموزان در درس زبان انگلیسی. روش تحقیق پژوهش حاضر باروش علمی مروری (کتابخانه ای) انجام گرفته شده است و در تهیه ی آن از انواع مقالات، کتاب ها، مجلات و... معتبر استفاده شده است. منظور از افت تحصیلی کاهش عملکرد تحصیلی دانش آموز از سطح رضایت بخشی به سطح نامطلوب است. اغلب صاحب نظران اعتقاد دارند توانایی تفکر خلاق به طور بالقوه و به شکل فطری در انسان به ودیعه گذاشته شده است اما ظهور آن مستلزم پرورش آن است روشهای نوین تدریس و روشهای که در مطالعه حاضر با استناد به پژوهشهای انجام شده به عنوان روشهای فعال و روشهای مؤثر در ایجاد و افزایش خلاقیت دانش آموزان شناخته شدند، در بهبود کیفیت تدریس، بالا بردن قدرت تفکر و خلاقیت و افزایش روحیه پژوهشگری دانش آموزان نقش بسزایی داشته و در صورت اجرای دقیق میتوانند تحولی شگرف در آموزش و پرورش و به تبع آن در جامعه به وجود آورند. روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی و گردآوری اطلاعات کتابخانه ای بوده. با بررسی مختصر اهداف، ویژگیها، چگونگی اجرا و تأثیرات این روشها میتوان نتیجه گرفت که تمامی روشهای به صورت مستقیم همانند الگوی بدیعه پردازی، و یا به صورت غیرمستقیم همانند الگوی یادسپاری به دلایل زیر موجب افزایش خلاقیت دانش آموزان میشوند

کلمات کلیدی: خلاقیت، تدریس، روش فعال، یادگیری، دانش آموزان، زبان انگلیسی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

مقدمه:

اکثریت مدارس متأسفانه به دلیل پیشرفتهای علوم و فنون و براساس بعضی از رویکردهای روانشناختی، توجه خود را بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق معطوف کرده و از تربیت انسانهای متفکر و خلاق فاصله گرفتهاند (شعبانی، ۱۳۸۲)، اما خوشبختانه در سالهای اخیر روانشناسان پرورشی و دیگر صاحبان نظر از تأکید زیاد مدارس بر انتقال دانش و اطلاعات به دانشآموزان انتقاد کرده و معلمان را بیشتر به پرورش مهارتهای اندیشیدن و تفکر در یادگیرندگان سفارش کردهاند (سیف، ۱۳۷۹).

هسته اصلی فرآیند تدریس، ترتیب دادن محیطهایی است که در آن شاگردان بتوانند با یکدیگر تعامل کنند و چگونه یادگرفتن را بررسی نمایند. الگوی اصلی تدریس توصیف یک محیط یادگیری است. دامنه این توصیف موارد استفاده بسیاری همچون برنامه‌ریزی تحصیلی و آموزشی، واحدهای آموزشی و دروس تا تدوین مطالب آموزشی، کتاب، تمرینات، برنامه‌ریزی چند رسانهای و برنامه‌های یادگیری به کمک رایانه وجود دارد. هدف تدریس افزایش توانایی یادگیری، یا چیزی چند بعدی به نام هوش و خلاقیت است. برای اینکه فراگیران خوب تربیت شوند و افراد مفیدی در آینده باشند باید متفکر، خلاق، نقاد و دارای بینش علمی باشند. و این تنها در سایه انتقال اطلاعات به ذهن شاگردان حاصل نمیشود بلکه در برنامه‌های مدارس باید روشهایی گنجانده شود که از طریق آنها دانشآموزان قابلیت‌های چگونه آموختن را از طریق نظم فکری بیاموزند و در زندگی روزمره خود به کار برند و با توجه نقش اساسی محیطهای آموزشی و روشهای حاکم بر آنها، باید به صورتی سازماندهی شوند که دانشآموزان را به جای ذخیره‌سازی حقایق علمی با مسائلی که در زندگی واقعی با آنها مواجه میشوند درگیر سازند (شعبانی، ۱۳۸۷).

عواملی چون زمینه‌های خانوادگی، برنامه‌درسی، مواد آموزشی، زبان‌کاربردی، زمان انجام تکالیف درسی شیوه معمول کار در مدرسه، انگیزش‌های دانشآموزان، ادراک معلمان از توانایی کلاس، پایگاه، تحصیلات، رفتار و روشهای آموزشی همه و همه در یادگیری دانشآموزان نقش دارند. اما معلم با استفاده از همه این امکانات با ارائه یک روش تدریس مناسب و مطلوب میتواند میزان کارایی همه عوامل اثرگذار را دو چندان کند. لذا نوع تدریس معلم در یادگیری نقش اساسی دارد. معلمان موفق تنها ارائه‌دهندگان دانش نیستند بلکه آنان شاگردان خود را به اجرای تکالیف سالم شناختی و اجتماعی وادار میکنند و نحوه استفاده مؤثر را به آنان یاد میدهند.

بیان مسئله

سالهای طولانی است که خلاقیت به عنوان توانمندی عالی ذهنی مورد توجه قرار می‌گیرد این موضوع مورد توجه فلاسفه، دانشمندان علوم تجربی و دانشمندان علوم نظری و علوم انسانی بوده است. برای گسترش دامنه بررسی خلاقیت روانشناسان به ویژه روانشناسان آموزش و پرورش زحمات زیادی را متحمل شده‌اند با این همه آنچه از خلاقیت ارائه شده است بیشتر در برگیرنده شیوه‌های پرورش خلاقیت است و کمتر به این امر که چگونه می‌توان مبتنی بر خلاقیت عمل کرد پرداخته شده است. هر چند که در تعریف خلاقیت به خاطر پیچیدگی این نوع تفکر توافقی میان صاحبان نظر نیست با این حال خلاقیت در لغت به معنای آفرینندگی، نوآوری و بداعت آمده است. باید توجه داشت که خلاقیت در مفهوم علمی و فنی شامل فرآیند‌های ذهنی است که منجر به حل مسائل، ایده‌های مفهوم سازی و شکل‌های هنری می‌شود که بی‌همتا و بدیع است (صادق‌زاده، ۱۳۸۸). اغلب صاحبان نظر اعتقاد دارند توانایی تفکر خلاق به طور بالقوه و به شکل فطری در انسان به ودیعه گذاشته شده است اما ظهور آن مستلزم پرورش آن است (حسینی، ۱۳۷۸). در نظام کنونی آموزش و پرورش متأسفانه تفکر همگرا محور و اساس کار است و تفکر واگرا نه تنها مورد توجه نیست بلکه تضعیف هم می‌شود در نتیجه وقتی کودک به مرحله بزرگسالی می‌رسد خلاقیتی در خود احساس نمی‌کند و قالب‌های فکری او به همان شکل



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

همگرا در آمده اند دیگر قابل تغییر نیستند و یا دست کم تغییر آن ها مشکل است (کریمی، ۱۳۸۵). تربیت و پرورش افراد خلاق، مبتکر، متفکر ومولد، محور هدف های آموزش و پرورش امروز است (رئیس دانا، ۱۳۷۹)

امروزه در حوزه تعلیم و تربیت و آموزش فراگیران بحث روشهای تدریس یکی از چالش های معلمان محسوب می شود و به کارگیری روش تدریس متناسب با هر ماده درسی از اهمیت زیادی برخوردار است. به همین خاطر پدیده ی چگونه آموختن آموزش داده می شود (شعبانی، ۱۳۸۸).

دیوئی هدف اصلی تعلیم و تربیت را یادگیری تفکر می داند. پاسکال معتقد است که انسان آشکارا برای تفکر خلق شده است شأن و شوکت او در تفکر است و تمام وظیفه اش هم همین است و چگونگی زندگی آینده ما به چگونگی تفکر ما وابسته است. (احراری، ۱۳۹۱).

اهمیت و ضرورت مسئله

تردیدی نیست که مهم ترین نقشی که والدین در تربیت کودکان خود (و معلمان و مربیان در پرورش دانش آموزان) می توانند ایفا کنند پرورش خلاقیت آنهاست زیرا خلاقیت به نحوی بلامنازعه عامل کلید پیشرفت های بشری است وامکان بروز خلاقیت افراد وقتی مهارت ها و انگیزه خلاقیت در کودکی پرورش یابد بسیار بیشتر است. خلاقیت مخصوص افراد تیز هوش و با استعداد نیست. اگر چه آنها استعداد بالقوه بیشتری دارند که در راه های خلاق بکاربرند. خلاقیت می تواند و باید جزئی از زندگی همه ی افراد از جمله افراد تیز هوش و با استعداد باشد لیکن مهمترین عامل در خلاقیت انگیزه برای انجام کارهای خلاق است. مهارت های حل خلاقانه مسئله باعث غنای زندگی می شود زیرا با بکارگیری مهارت های حل خلاقانه مسئله راه حل های نو آورانه و افکار جدید برای حل مسئله به ذهن خطور می کند چنین افکاری از راه حل های معمول کاملا متمایز بوده و کیقیت بالاتری دارند از آنجاکه مهارت های حل خلاقانه مسئله افکار تحلیلی و تخیلی را در هم می آمیزد باعث ایجاد تعادل در تفکر می شود. به طور کلی تحقیقات نشان داده اند که خلاقیت پدیده ی است که کاملا طبیعی و کمابیش در تمام انسان ها وجود دارد (قوشلی، ۱۳۸۴). با توجه به شواهد مختلف بر وجود ظرفیت در همگی افراد و آموزش پذیر بودن خلاقیت اهتمام به آموزش و پرورش خلاقیت در مدارس قطعی و ضروری تلقی می شود. ضرورت مسئله موقعی بیشتر مشخص می شود که در جامعه امروزی خود با توجه به تحلیل منابع طبیعی و محدودیت انرژی و سرمایه به نیروی انسانی نیاز داریم که از منابع محدودبیشترین بهره وری را داشته باشد که این نیروی انسانی خلاق باید در نظام آموزش و پرورش تربیت یابد روش های مرسوم آموزش که بردانش و حافظه تاکید می کند برای میل به این مقصود کافی نیست پس باید از شیوه های جدید تدریس که خلاقیت دانش آموزان را پرورش دهد بهره بگیریم.

اهداف تحقیق

تعیین تأثیر خلاقیت و روش های فعال تدریس بر یادگیری دانش آموزاندرس زبان انگلیسی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

تعاریف متغیر های تحقیق :

خلاقیت

خلاقیت عبارت است از حساسیت به مسائل، کمبود ها، مشکلات و خطا های موجود در دانش ، حدس زدن، تشکیل فرضیه های درباره این کمبودها، ارزشیابی و آزمایش این حدس ها و فرضیه ها و احتمالاً اصلاح و آزمون مجدد آنها و در نهایت نتیجه گیری (تورنس به نقل از رضانی، ۱۳۸۸)

روش تدریس:

چهار چوب ویژه ای است که عناصر مهم تدریس در درون آن قابل مطالعه است و شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل مذکور می تواند معلم را در اتخاذ روشهای مناسب تدریس کمک نماید.

تدریس:

فراهم آوردن موقعیت و اوضاع و احوالی که یادگیری را برای شاگردان آسان کند

یادگیری:

تغییرات نسبتاً پایدار در توان رفتاری فرد که بر اثر تجربه حاصل می شود

امروزه به هنگام تدریس، معلمان می توانند از روشهای مختلفی در اثنای تدریس استفاده کنند. اما بدون بهره گیری از شیوه های مناسب و مطلوب، امر تدریس ثمری در بر نخواهد داشت. از این رو علمای تربیت در طول تاریخ آموزش و پرورش تلاش کرده اند که با استفاده از تجارب گرانبهای معلمان نامی، به ابداع روشهای مختلف تدریس اقدام نمایند. از آنجا که معلم محرک هر گونه فعالیت آموزشی است لذا، بایستی با روشهای تدریس بیشتری آشنا باشد در موقعیت های مختلف آموزشی از آزادی عمل زیادتاری برای رسیدن به مقاصد آموزشی بر خوردار باشد (وکیلان، ۱۳۸۸)

متخصصان تعلیم و تربیت، تدریس را «فراهم آوردن موقعیت و اوضاع و احوالی که یادگیری را برای شاگردان آسان کند.» مطرح نموده اند. و در تعریف دیگری از تدریس توسط آیزنر به نتیجه تدریس تأکید زیادی شده است وی معتقد است که: تدریس هنگامی صورت می گیرد که معلمان توسط حسن انجام فعالیت های آموزشی خود، موفق می شوند تا فراگیران در کل یا قسمتی از موضوع مورد نظر یادگیری قرار داده شوند.

روش تدریس:

چهار چوب ویژه ای است که عناصر مهم تدریس در درون آن قابل مطالعه است و شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل مذکور می تواند معلم را در اتخاذ روشهای مناسب تدریس کمک نماید. یا معلم چهارچوبی از فرایند تدرسی به عنوان الگو، انتخاب نموده و مورد تحلیل و شناسایی قرار دهد تا بتواند در موقعیت مناسب در محدوده ی آن چهارچوب فعالیت آموزشی خود را سازماندهی کند و روشهای تدریس مناسب را انتخاب نماید (فتیحی آذر، ۱۳۸۲)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

روش های فعال تدریس:

به روش های اشاره دارد که بتواند فعالیت های دانش آموزان را تقویت و یادگیری را به یک جریان دو سویه تبدیل نماید. به عبارت دیگر روش هایی هستند که از آنها تحت عنوان روشهای دانش آموز محور یاد می شوند. در این روش ها دانش آموزان و معلم هر دو فعال هستند. هر چند سعی بر آن است که عمده فعالیت در یادگیری بر عهده دانش آموز گذاشته شود. در این روشها ذهن دانش آموزان دیگر یک ظرف تو خالی نیست. بلکه دانش آموز دارای اندوخته های اطلاعاتی می باشد و با همکاری معلم می خواهد اطلاعات خود را گسترده تر و عمیق تر نماید. در واقع معلم جهت دهنده و حمایت کننده است. از نمونه این روشها می توان کارایی تیمی، بارش مغزی، روش حل مسئله، شیوه تدریس تعاملی و روش تدریس تفکر فعال (بحث گروهی) و روش تدریس مبتنی بر تفکر انتقادی و ... را نام برد (فضلی خانی، ۱۳۸۰)

خلاقیت:

واژه خلاقیت عمر طولانی ندارد تحقیق در مورد خلاقیت و عناصر تشکیل دهنده آن، بیش از یک قرن پیش توسط دانشمندان علوم اجتماعی شروع شد ولی انگیزه اساسی برای پژوهش بیشتر در سال ۱۹۵۰ توسط «گیلفورد» ایجاد گردید. گیلفورد خلاقیت را با تفکر واگرا (دست یافتن به راه حل های جدید برای حل مسائل) در مقابل تفکر همگرا (دست یافتن به پاسخ صحیح) مترادف می دانست یا خلاقیت به کارگیری تواناییهای ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است (شهر آرای و مدنی، ۱۳۷۵)

خلاقیت عبارت از: توانایی مشاهده اشیاء به روشهای جدید، یادگیری از طریق تجربیات گذشته و ارتباط آن به موقعیتهای جدید، تفکر در راستای برداشتن موانع و خطوط نا متعاف، استفاده از دیدگاههای غیر سنتی برای حل مسائل، خلق و ابداع چیزی تازه و ابتکاری، طی کردن مراحل فراتر از اطلاعات داده شده است. بدین ترتیب فرایند آموزش و یادگیری می تواند تفکر خلاق را پرورش دهد و افرادی کاوشگر، آفریننده، مشکل گشا، نوآور، مولد و عامل تغییر را تربیت کند (حسینی، ۱۳۷۸)

تعریف خلاقیت از دیدگاه روانشناسی:

خلاقیت یکی از عالی ترین و پیچیده ترین فعالیت های ذهن آدمی است که در تعلیم و تربیت باید به آن توجه ویژه ای شود. خلاقیت نه فقط به هوش و تفکر بلکه به سازمان شخصیت فرد نیز مربوط می شود. امروزه، جامعه ی ما بیش از هر زمان دیگر به افراد هوشمند و خلاق نیاز دارد. هر قدر جهانی که در آن زندگی می کنیم، پیچیده تر می شود نیاز به شناسایی و پرورش ذهن های خلاق و آفریننده نیز بیشتر و شدیدتر می گردد. به همین دلیل در شرایط کنونی مسئله ی خلاقیت از مهم ترین مسائل در قلمرو روانشناسی آموزشی است. با توجه به این امر باید با اتخاذ تدابیری شایسته، زمینه را برای تجلی و استعدادها و خلاقیت های دانش آموزان فراهم کرد. تردیدی نیست که یکی از مهمترین نقشهای آموزش و پرورش، پرورش توانایی خلاقیت در دانش آموزان است. جوامعی که بتوانند خلاقیت نسل جوان را احیا و شکوفا سازند، از میزان قابل توجه توسعه، رشد و شکوفایی علمی بر خوردار خواهند شد و بالعکس به هر میزان که خلاقیت پرورش و تعالی نیابد رکود صنعتی، فرهنگی و علمی را باید برای جامعه انتظار داشت (پاشا شریفی، ۱۳۸۳). در مورد خلاقیت آنچه که حائز اهمیت است اینکه خلاقیت هم مانند هوش و سایر توانایی های انسان علاوه بر اینکه از محیط تأثیر می گیرد. آموزش و یادگیری نیز باعث رشد و توسعه خلاقیت در افراد می شود. اعتقاد بر این است که هم مدیران، هم معلمان و هم اولیاء می توانند نقش مثبت و منفی در توسعه خلاقیت کودکان و دانش آموزان در میزان یادگیری در دروس داشته باشند (همان منبع)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

آموزش خلاقیت

یکی از کارهای مهمی که برای آموزش خلاقیت در کودکان لازم است، تغییر کلی در روش کار معلم و انتظارات نظام آموزشی از دانش آموزان از دانش آموز است. باید مقداری از وقت کلاس را اختصاص به مواردی داد که به خلاقیت مربوط می شوند. البته، این کار را نمی توان با اختصاص یک یا دو ساعته در هفته به آموزش خلاقیت انجام داد، بلکه باید نحوه تفکر و اگر را در تمام شئون آموزش وارد کرد؛ یعنی در تدریس و آموزش تمام دروس، علاوه بر تفکر همگرا، تفکر واگرا نیز مد نظر معلم باشد. از دانش آموزان خواسته شود که عقاید و راه حل های خود را هر چند عجیب و غیر منتظره باشند، بیان کنند. حتی دانش آموز می تواند درباره نحوه تدریس معلمان و امکانات تغییر یا بهبود آن اظهار نظر کند. معلم باید سعی کند که کلاس را از حالت قالبی و خشک آن خارج کند و اعتماد به نفس، نوآوری، آزادی اندیشی و نظایر آن را در دانش آموزان پرورش دهد. دانش آموز باید بیاموزد که هر فرد با افراد دیگر تفاوت دارد و می تواند دارای عقاید و نظرهای مختلف و متفاوتی باشد. باید به دانش آموزان یاد داد که مطالب کتاب درسی الزاماً صد درصد صحیح و غیر قابل تغییر نیستند و هر عقیده یا نظریه جدیدی که بهتر از عقاید قبلی باشد می تواند جای آنها را بگیرد، حال این عقیده چه از طرف دانشمندان ارائه شود و چه از سوی دانش آموزان مطرح گردد. دانش آموز باید بداند و آگاه شود که اندیشیدن و ارائه نظرهایی که مخالف نظرهای کتابها و بزرگترها باشند، به شرط بر خورداری از منطق و دلیل کافی، نه تنها گناه نیست، بلکه ممکن است بسیار سودمند هم باشد. دانش آموزان باید این واقعیت را درک کنند که پیشرفت و تحول زندگی بشر نتیجه افکار خلاق و جدید بوده است، نه ثمره پیروی بی چون و چرا از معیارها و چهارچوب های قدیم (سلیمانی، ۱۳۸۱).

اگر بخواهیم خلاقیت را به دانش آموزان آموزش دهیم و امکان بروز استعدادهای بالقوه را در آنان فراهم سازیم، باید علاوه بر مسائلی که گفته شد، در جو حاکم بر کلاس و روابط فردی نیز تجدید نظر کنیم. برای مثال، نمی توان از دانش آموزان انتظار داشت که از جای خود تکان نخورند، حتماً قبل از اظهار نظر دست بلند کنند، در نیمکت هایی که به ردیف موازی یکدیگر چیده شده اند بنشینند و هنگام حرف زدن صدای خود را بلند و کوتاه نکنند و در عین حال تفکر واگرا داشته باشند و خلاقانه عمل کنند. در کلاسی که همگان به پیروی از یک طرز نشستن، حرف زدن، لباس پوشیدن و نظایر آن وادار می شوند، نمی توان خلاقیت را تشویق کرد و آموزش داد. البته، منظور این نیست که هرج و مرج بر کلاس حاکم باشد و هر کاری که علاقه دارد بپردازد، زیرا نظم لازمه هر آموزش است. بلکه، هدف یادآوری این مطلب است که در ضمن پیروی از نظم و مقررات باید امکان انعطاف پذیری را فراهم ساخت؛ یعنی نظم مربوط به مسائل کلی باشد و جزئیات رفتار و گفتار را تحت فشار قرار ندهد. بنابراین، رعایت دو شرط اصلی برای امکان آموزش خلاقیت لازم است:

۱- ابتدا باید این عقیده را که خلاقیت ذاتی است و فقط عده معدودی از آن برخوردارند، کنار گذاشت. البته این واقعیت دارد که عده معدودی از خلاقیت بیشتر برخوردارند، ولی بقیه نیز می توانند در صورت پرورش مطلوب، از خلاقیت متناسبی بهره مند شوند.

۲- باید محیط آموزشی را طوری تغییر داد که امکان بروز و توسعه افکار و اعمال خلاق مهیا شود، یعنی در آموزش باید تفکر واگرا را همراه تفکر همگرا ساخت و به ضوابط خشک و انعطاف ناپذیر بسنده نکرد. البته می دانیم که نخستین شرط تغییر محیط آموزشی تغییر ذهنیت خود معلم است. در این راه می توان از کلاس های خاص آموزشی معلمان استفاده کرد. به معلمان باید یاد داد که خلاقیت یعنی چه و چگونه باید آن را پرورش داد. بعد باید معلمان بر اثر کار علمی و تجربه، مهارت لازم را در آموزش خلاقیت به دست آورد. دانستن صرفاً کافی نیست، باید در عمل نیز بتوان دانسته ها را پیاده کرد (شریفی و داوری، ۱۳۸۸).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

ویژگی های شخصیتی افراد خلاق

۱- دارای هوش کلامی و فضایی بسیار بر جسته ۲- دارای هوش بالاتر از سطح متوسط ۳- دارای ظرفیتهای حافظه ای فوق العاده در ثبت و نگهداری وقایع مختلف ۴- آمادگی جهت تجربه امور و فعالیت های مختلف ۵- استقلال فکری ۶- دارا بودن رفتار مطلوب اجتماعی ۷- بیان صریح و روشن ۸- طرز فکر انتقادی، فعال و کنجکاو بودن ۹- برخوردار از نوع تفکر واگرا ۱۰- علاقه مند بودن به مسائل فلسفی و مذهبی ۱۱- مقاوم، با جرأت، انتقاد پذیر و خستگی نا پذیر بودن ۱۲- خود جوش، صادق و ساده بودن (مرعشی، ۱۳۷۸)

عوامل مؤثر در خلاقیت

۱- نقش اطلاعات در خلاقیت: اطلاعات یکی از عوامل اساسی خلاقیت و ماده خام آن است. به گفته ویلیام خلاقیت مهارتی است که اطلاعات پراکنده را به هم پیوند می دهد.

۲- رابطه هوش و خلاقیت: تحقیقات علمی نشان داده است که هوش خارق العاده معادل با داشتن استعداد خلاقیت نیست به عبارتی دانش آموزانی که داری هوش زیادند الزاماً افرادی که ابداعی ترین ایده ها را خلق کنند نمی باشند (تورنس، ۱۳۷۵)

۳- انگیزه و خلاقیت: انگیزه به حالات درونی ارگانیسم که موجب هدایت رفتار به سوی نوعی هدف می شود اشاره میکند. نظریه پردازان روانشناسی معتقدند که خلاقیت از حالت برانگیختگی دورنی مرتبط با فعالیت بیشتر از انگیختگی بیرونی مرتبط با فرد منجر به خلاقیت می شود.

۴- خلاقیت و میزان خودپذیری: نتایج تحقیقات گراندا (۱۹۵۴) در ارتباط با میزان خودپذیری و سازگاری اجتماعی نشان می دهد که هم کسانی که خود را کمتر از آنچه هستند به حساب می آورند و به دیگران نشان می دهند و هم کسانی که خود را بیشتر از آنچه هستند به دیگران نشان می دهند در زندگی اجتماعی موفق نیستند. این دو گروه در روابط انسانی دائم با مشکلاتی مواجه هستند و با وقت و انرژی، بازده کارهای خلاقه آنان کاهش می باید (مرعشی، ۱۳۷۸)

۵- تخیل و خلاقیت: تخیل نوعی تفکر آزاد است و با بهره گیری از آن که خمیر مایه خلاقیت است، دنیایی بزرگ پهناور در مقابل چشمان دانش آموزان گشوده میشود و قادر می گردد، آزادانه خیال پردازی کند

۶- خانواده و خلاقیت: بون شک خانواده مهمترین نقش را در کنترل و هدایت تخیل و ظهور خلاقیت دارد. زمینه رشد خلاقیت در خانه زمانی فراهم می شود که به کودکان آزادی مناسبی داده و به آنان احترام بگذارند. از نظر عاطفی در حد اعتدال به آنها نزدیک شده و بر روی ارزشهای اخلاقی و نه قوانین خاص تأکید شود. با تشویق و تأیید رفتار کودک و فراهم آوردن زمینه های مساعد و تدارک لوازم بازیهای دلخواه او، قدرت تخیل و خلاقیت کودکان را تقویت کند. خیال پردازیهای کودکان را سرزنش نکنند زیرا خلاقیت او را محدود می سازد (پاشا شریفی، ۱۳۸۳). خانواده خلاق به ویژگی های درونی نظیر پای بندی به ارزشها، داشتن علاقه به چیزی و صراحت و رک گویی، بیبیش از ویژگی های بیرونی نظیر خانواده خوب، حسن سلوک و کوشا بودن اهمیت می دهند.

نقش عوامل محیط آموزشی در خلاقیت



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

نقش معلم: خصوصیات مربی و شیوه های آموزشی وی می تواند به افزایش تفکر خلاق کمک کند. مربیانی که از شیوه کودک-محور در آموزش خود استفاده می کنند کودکان را نسبت به محرکات محیطی پیرامون حساس می نمایند. از تأکید بر الگوهای قالبی اجتناب می ورزند و کلاس را چنان سازماندهی می کنند که محیطی تنوع و خلاق ایجاد شود. بررسی ها نشان می دهد معلمانی که خود خواهان تغییر در روشهای تدریس روزانه شان هستند، توان یادگیری آفرینندگی را دارند. (فضلی و جوادی، ۱۳۸۳)

جو کلاس: به طور کلی، برای پرورش خلاقیت لازم است جو کلاس فعال باشد و روشهای تدریس اکتشافی و فعال که مبتنی بر فعالیت دانش آموز است، محور تدریس قرار گیرد تا بتوان به یادگیری توأم با خلاقیت دست یافت. قرار دادن محرکات بصری در کلاس، ترتیب چیدن میز و صندلی ها و اختصاص فضای لازم برای فعالیت دانش آموزان، از جمله مواردی هستند که باید به آنها توجه کرد. عامل مهم دیگر، برای فراهم کردن جو فیزیکی کلاس، پیش بینی وسایلی است که بتوان از طریق آنها، آثار دانش آموزان را به معرض نمایش گذاشت. در واقع هر آنچه که بتوان از آن برای مهم تر جلوه دادن نمایش اختراعات و آثار شاگردان استفاده کرد، به تحقیق این منظور کمک خواهد کرد. معین پور، نصر و ساعدی (۱۳۸۳)

عامل فکری-عقلانی: ساختار فکری کلاس زمانی می تواند موجب رشد خلاقیت دانش آموزان شود که نیروی تفکر و اندیشه را در آنها تقویت کند. به این منظور، معلم باید مسائلی را در کلاس طرح کند که به تحقیق و تأمل نیاز داشته باشند. جو عقلانی مطلوب آن است که بتواند دانش آموز را بر انگیزد. معمولاً با حذف تفکر عادی و عادت و با اندیشیدن به چیزی های غیر معمولی، امکان ابتکار فراهم می گردد (احدی و فخری، ۱۳۸۷)

عامل عاطفی: عواطف و عوامل غیر منطقی نقش اول را در خلاقیت بازی می کنند. عواطف می توانند در رابطه با خلاقیت تسهیل کننده یا بازدارنده باشند. عواطف باعث می شود فرد درگیر کار شده چنانکه با شور و اشتیاق آن را دنبال می کند و کار های فوق العاده ای ارائه می دهد. برای درگیری عاطفی اجرای نمایشهای خلاق می تواند مفید باشد (همان منبع). جو عاطفی مناسب آن است که دانش آموزان در آن احساس امنیت کنند و قادر باشند نسبت به محرکهای فیزیکی و عقلانی ارائه شده از طرف معلم و همسالان، واکنشی مطلوب از خود نشان دهند. به طور کلی برای پرورش رفتار خلاق، جو عاطفی کلاس باید شرایطی فراهم آورد که دانش آموزان ضمن آن بتوانند احساس ارزش، اعتماد به نفس، تعلق و قدرت کنند.

نقش مدرسه: مدرسه به عنوان واحد عملیاتی نظام آموزشی و به عنوان مکانی که تعلیم و تربیت رسمی در آن جریان دارد می تواند قدرت اندیشه و مهارت ذهنی دانش آموزان خود را چنان تقویت کند که به راحتی بتوانند برای دست یافتن به راه حل های مناسب و واقع بینانه، به خلق ایده های نو پردازند، یا می تواند، با ارائه تکلیف و نیز عدم توجه به تفاوت های فردی و عدم شناخت یا بی توجهی به ویژگی های دانش آموزان، سبب شود که قدرت خلاقیت آنان به تدریج کاهش یابد.

یک مدرسه خوب که می تواند زمینه ساز تفکر خلاق در دانش آموزان دارای خصوصیات زیر است:

۱- محیطی دوستانه که در آن از زحمات هر فرد کوشا قدردانی می شود.

۲- فضایی مملو از امنیت خاطر و آزادی عمل حاکم بر آن.

۳- محیطی که در آن فرصت یادگیری و مسئولیت پذیری مهیاست.



۴- محیطی دارای فرصت‌هایی برای تصمیم‌گیری.

۵- وجود امکانات لازم برای ارزشیابی همگانی در آن.

برای این که مدرسه بیشترین نقش را در پرورش خلاقیت کودکان داشته باشد، روانشناسان پیشنهاد کرده‌اند مسائلی که در مدرسه به یادگیرندگان ارائه می‌کنند طبقه‌بندی شوند و دستاوردهای خلاق آنان مورد تشویق قرار گیرد. همچنین امکان تدریس عملی برای هر درس فراهم شود تا دانش‌آموزان بتوانند نوآوری‌های خود را در مدرسه و جامعه به کار گیرند (ناصری، ۱۳۸۷).

موانع خلاقیت

سلطه‌گری، منفی‌بافی، مقاومت، ترس، عیب‌جویی، انتقاد از دیگران، سازشکاری، تسلیم در برابر قدرت کمرویی.

از موانع دیگر که بر سر راه خلاقیت دانش‌آموزان قرار دارند عبارتند از: ۱- عدم اعتماد به نفس ۲- تمایل به هم‌رنگی ۳- عکس‌العمل منفی ۴- حذف خیالبافی ۵- پیش‌داوری‌ها ۶- ترس از انحراف وسیع در هم‌نوایی با اجتماع ۷- ارزش‌ها و هنجاری‌های فرهنگی (سیف، ۱۳۷۹).

روش‌های تدریس مناسب برای پرورش خلاقیت

روش حل مسئله: در این روش آموزش در بستر پژوهش انجام می‌شود و به یادگیری اصیل و عمیق و پایدار در دانش‌آموزان می‌شود. در این روش ابتدا معلم باید مسئله را مشخص کند سپس به جمع‌آوری اطلاعات توسط دانش‌آموزان پرداخته شود و بعد از جمع‌آوری اطلاعات، فرضیه‌سازی و در نهایت فرضیه‌ها را آزمایش و نتیجه‌گیری شود. اگر روش حل مسئله درست انجام شود می‌تواند منجر به بارش یا طوفان فکری گردد.

روش پروژه‌ای: روش تدریس پروژه‌ای به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا قدرت مدیریت، برنامه‌ریزی و خودکنترلی را در خودشان ارتقاء بخشند. در این روش دانش‌آموزان می‌توانند با توجه به علاقه خود موضوعی را انتخاب و به طور فعالانه در به نتیجه رساندن آن موضوع شرکت نمایند.

روش پرسش و پاسخ: شیوه پرسش و پاسخ شیوه‌ای است که معلم به وسیله آن فراگیران را به تفکر درباره مفهوم جدید یا بیان مطالب فراگرفته و یا فراخوانی اندیشه‌ها و تخیلات ذهنی و تلیف اطلاعات تشویق می‌کند.

بحث گروهی: در این شیوه دانش‌آموزان فعالانه در یادگیری شرکت می‌کنند و مفهوم مورد نظر را از یک دیگر می‌آموزند. در این شیوه معلم را می‌توان به عنوان محرک، شروع‌کننده بحث و راهنما تصور کرد. بحث گروهی اغلب به صورت هدایت‌شده و برخی اوقات بصورت غیرسازمان‌یافته انجام می‌شود.

روش آزمایشی: آزمایش فعالیت است که در جریان آن فراگیران با به کار بردن وسایل و موارد بخصوصی درباره مفهومی خاص عملاً تجربه کسب می‌کنند. کسب هر تجربه‌ای اطلاعاتی را برای تخیل و تفکر و کسب تجارب بعدی به دست داده و به رشد قدرت خلاقیت کمک خواهد کرد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

روش گردش علمی: گردش علمی به دانش آموزان امکان می دهد که از طریق مشاهده طبیعت، وقایع، فعالیت ها، اشیاء و مردم تجربه علمی کسب نمایند. در گردش علمی دانش آموزان با مشاهده واقعیت ها می توانند مفاهیمی را که در کلاس مورد بحث قرار می گیرد بهتر در ذهن خود بپردازند.

روش ایفای نقش: هدف این الگو رشد همدلی با دیگران و بررسی مسائل و واقعیت ها و ارزش های اجتماعی در عمل است. این الگو در همه برنامه های آموزشی و پرورشی و سنین مختلف کاربرد دارد. بطور کلی این الگو باعث افزایش فهم دانش آموزان در بهبود و گسترش ارزش های اجتماعی می شود.

روش کار گروهی: روش تدریس کار گروهی یکی از روش های مؤثر یاددهی و یادگیری است که در بیشتر موارد با روش سخنرانی، سمینار، کنفرانس به صورت توأم به کار برده می شود. به دلیل استفاده از روشهای متنوع در روش کار گاهی همچنین استفاده از وسایل آموزشی مختلف این روش برای تقویت تفکر خلاق مفید می باشد.

الگوی دریافت مفهوم: این الگو برای یاد دادن نحوه طبقه بندی کردن، نحوه فکر کردن و چگونگی دریافت مفهوم به دانش آموزان اهمیت دارد. در این الگو معلم به عنوان حامی و هدایت گر فرضیه های دانش آموزان است به نحوی که از قبل مفاهیم را انتخاب و در نمونه های مثبت و منفی سازمان می دهد و فراگیران را جهت نیل به این مفهوم هدایت می کند. کمک به اندیشیدن و درست اندیشیدن از ویژگی های این الگو می باشد.

الگوی بدیعه پردازی: هدف این الگو افزایش تفکر خلاق و مشکل گشایی در واقع خاص، برهم زدن سنت های متداول گسترش افق های فردی و اجتماعی در دانش آموزان است. معلم سولاتی از دانش آموزان می پرسد. ولی پاسخ دانش آموزان کاملاً باز است و معلم بایستی کمک کند تا شاگردان تفکر خود را بسط دهند. با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده برای بررسی رابطه این الگو با خلاقیت می توان گفت این بکار گیری این الگو در افزایش خلاقیت دانش آموزان تأثیر مستقیم دارد.

الگو پژوهش گروهی: این الگو برای کمک به دانش آموزان در تقویت مردم سالاری و آموزش آنها از طریق همکاری کاوشگرانه در فهم مسائل اجتماعی و تحصیلی است. در این الگو معلم مانند یک مشاور عمل می کند و بایستی بتواند به درخواست های دانش آموزان پاسخ دهد و به کمک آنها نیازمندی های آموزش را فراهم آورد (وکیلان، ۱۳۸۸).

پیشینه تجربی تحقیقات انجام یافته

در این زمینه تحقیقاتی در کشورهای دیگر و هم چنین در کشور خودمان انجام گرفته است. از تحقیقاتی که در کشورهای دیگر انجام شده به موارد زیر میتوان اشاره کرد.

آزمون و بررسی که انجمن بینالمللی ارزشیابی پیشرفته تحصیلی ریاضی و علوم تیمز در زمینه بزرگترین و مهمترین مطالعاتی که تا کنون این انجمن (IEA) طراحی کرده است. توانایی تجزیه و تحلیل و تفکر انتقادی درباره مسائل و ساختن نظریه انجام داده و گرچه این موضوعات در حد اندکی در محتوای علوم اکثر کشورها مورد توجه قرار گرفته است. اما تدوین کنندگان کتابهای درس علوم در کشورهای ایران و اسکاتلند کاملاً از آن غافل بودهاند (به نقل از: هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰؛ شعبانی، ۱۳۸۲).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

تحلیل سیلور (۱۹۸۶) در بارهی نتایج آزمون سراسری که (ارزیابی ملی پیشرفت آموزش و پرورش) انجام داده حاوی نمونه‌های متقاعد کننده‌ای است که نشان می‌دهد، چگونه دانش‌آموزان با تکالیف علمی- آموزشی به طور ماشینی و به بدون فکر کردن برخورد میکنند (مارزینو و دیگران ترجمه احقر، ۱۳۸۰)

توماس (۱۹۹۹) در بررسی وضعیت آموزشی تفکر انتقادی از طریق مصاحبه و بررسی تدریس ۴۰ نفر از معلمان در مدارس متوسط کالیفرنیا به این نتیجه رسید که اکثر معلمان از مهارت‌ها و استانداردهای تفکر انتقادی آگاهی ندارد و نهایتاً پیشنهاد داد که همه معلمان در دوره‌های پیش و ضمن خدمت نیازمند آموزش تفکر انتقادی هستند (ص ۴۲-۱۴)

گلاسر (۱۹۸۴) در یک پژوهش به آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی در کلاسهای انگلیسی پرداخته و مقایسه دانش آموزان در گروه کنترل و آزمایش موید این نکته است که عملکرد گروه آزمایش بطور معنی دار از گروه گواه بهتر است (ص ۱۰۴-۹۳)

در ایران تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته است عبارتند از:

نتایج پژوهش محسنی (۱۳۷۶) بر روی دانش آموزان رشت نشان داده که بین خلاقیت و پیشرفت تحصیلی همبستگی مثبت و معنیداری وجود دارد.

پژوهشی که در شهر سمنان انجام گرفته به بررسی تأثیر در روش آموزش کلاسیک و مبتنی بر استراتژیهای تفکر انتقادی بر میزان یادگیری پایدار دانش آموزان متوسطه پرداخته شده، محقق به این نتیجه رسیده است که بکارگیری مهارت‌های تفکر انتقادی در آموزش، یادگیرنده را فعالتر و یادگیری را عمیقتر و پایدارتر میکند (بابا محمدی و حاجی آقاخانی، ۱۳۸۱: ۵۶).

عباسی (۱۳۸۰) در تحقیقی به بررسی مهارت‌های مؤثر بر پرورش تفکر انتقادی در برنامه درسی جامعه‌شناسی دوره متوسطه پرداخته است نتایج بدست آمده نشانگر کارایی و اثر بخشی عمل آزمایش بوده است و فرضیه تحقیق تأیید شده که مهارت‌های تحلیل و ترکیب، ارزشیابی و استنباط و جمع‌بندی تفکر انتقادی قابل پرورش است.

مهمترین یافته تحقیق دیگری که جعفر جهانی (۱۳۸۰) در آن به نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزش تفکر انتقادی لیپمن پرداخته این است که آموزش تفکر انتقادی منحصرأ از طریق فرایندهای پژوهشی ممکن میشود. پس معلمان و مجریان با عنایت به این نکته باید به پرورش روح پژوهشگر و رشد قوه تفکر دانش آموزان بپردازد.

ساختمانیان (۱۳۷۴)، در مطالعه خود، روش آموزش عادی و فعال در شکوفایی خلاقیت را در دانش آموزان پسر مقایسه نموده است. او با توجه به این بررسی به این نتیجه رسیده است که آموزش به طور کلی، در توسعه تفکر خلاق دخالت بسیاری داشته و میتواند به تواناییها و استعدادهای خلاق کودکان در مراکز آموزشی کمک شایانه نماید.

نتایج حاصل از پژوهش فارفار (۱۳۸۵) در خصوص تأثیر آموزش تفکر انتقادی بر خلاقیت دانش آموزان دختر و پسر شهرستان مراغه که نمونه ی تحقیق شامل ۴ کلاس ۲۰ نفره که در کل ۸۰ نفر بود، نشان میدهد که از نظر رشد خلاقیت تفاوت معناداری بین گروه آزمایش و گروه گواه دیده شده است. به عبارت دیگر میزان نمرات خلاقیت گروه آزمایش با روش حل مسئله در مقابل گروه گواه با روش سنتی، افزایش یافته است. این پژوهش همچنین نشان داد که روش آموزش تفکر انتقادی بر خلاقیت دانش‌آموزان پسر بیشتر از دانش‌آموزان دختر تأثیر دارد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

دهقانی زاده (۱۳۸۵) تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی (مهارت‌های حل مسئله، تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی) بر افزایش خلاقیت دانش آموزان پسر مورد بررسی قرار داد. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان داد که بین گروه آزمایش و گروه گواه در نمرات خلاقیت و مولفه‌های آن یعنی سیالی، انعطاف پذیری، اصابت و بسط تفاوت معنا داری وجود دارد. به عبارت دیگر میزان نمرات خلاقیت و مولفه‌های آن در دانش آموزان گروه آزمایش در مقابل گروه گواه، افزایش یافته است.

شیخ محسنی (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان مقایسه‌ی اثر بخش روش‌های تدریس فعال و روش‌های تدریس سنتی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی در علوم دانش آموزان انجام گرفت. این پژوهش به شیوه‌ی مطالعه آزمایشی با دو گروه آزمایش و گواه صورت گرفت که جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر پایه دو متوسطه شهرستان اقلید در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ بود. نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان داد، روش تدریس فعال، بر پیشرفت تحصیلی درس علوم دختران مؤثرتر از روش سنتی می‌باشد و همچنین این روش بر خلاقیت و چهار عامل آن (ابتکار، بسط، انعطاف پذیری و سیالی) در دختران مؤثر تر بوده است.

نتایج تحقیق مسن باویلی (۱۳۷۸) نشان می‌دهد که بین خلاقین دانش‌آموزان و ارائه برنامه‌های آموزشی غنی‌سازی رابطه وجود دارد. بین خلاقیت و بر خورداری از فضای آموزشی در محیط رابطه وجود ندارد. بین خلاقیت دانش‌آموزان و تأکید بر نمرات درسی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در محیط خانه و مدرسه رابطه وجود ندارد.

نتیجه گیری:

روش‌های نوین تدریس و روش‌های که در مطالعه حاضر با استناد به پژوهش‌های انجام شده به عنوان روش‌های فعال در ایجاد و افزایش خلاقیت دانش آموزان شناخته شده، در بهبود کیفیت تدریس، بالا بردن قدرت تفکر و خلاقیت و افزایش روحیه پژوهشگری دانش‌آموزان نقش بسزایی داشته و در صورت اجرای دقیق می‌توانند تحولی شگرف در آموزش و پرورش و به تبع آن در جامعه به وجود آورند. با بررسی مختصر اهداف، ویژگیها، چگونگی اجرا و تأثیرات این روشها میتوان نتیجه گرفت که تمامی روش‌های به صورت مستقیم همانند الگوی بدیعه پردازی، و یا به صورت غیرمستقیم همانند الگوی یادسپاری به دلایل زیر موجب افزایش خلاقیت دانش‌آموزان میشوند:

- کمک به سیالی اندیشه و پرهیز از راه‌حل‌های سنتی و متداول

- انعطاف‌پذیری در روش اجرا

- عدم پیروی کامل از الگوهای قراردادی

- فعال بودن دانش‌آموزان از لحاظ فکری و جسمی

- ایجاد امکان بکارگیری روش‌های مختلف همانند روش‌های تصویری، کلامی، جنبشی، منطقی و...

- حمایت از جریان تفکر، انتزاع، آزاد اندیشی و ریسک‌پذیری

- توجه به علایق و احساسات دانش‌آموزان

- هدایت به روش‌های درست و منطقی اندیشیدن



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

همکاری و همیاری در جریان آموزش و یادگیری

با اجرای صحیح این روشها در فرآیند آموزش به دانشآموزان فرصت داده میشود به کنجکاوی، تداعی آزاد، مشورتخواهی، توضیح و توسعه اندیشهها و تخیلات، نقد افکار دیگران، حمایت از افکار دیگران، تفکر واگرا و انعطافپذیری در ایدهپردازی و نقد ایدههای دیگران بپردازند. آموزش انضباط فکری (استدلال و تفکر منطقی)، قضاوت صحیح، روش پژوهش و کاوشگری، تعدیل و ترکیب افکار، استفاده از تجارب و اشیا و... از ویژگیهای روشهای فوق میباشد. بنابراین بکارگیری روشهای آموزشی مطرح شده، به ویژه در صورتی که در جریان اجرای این روشها از رسانه ها و وسایل آموزش متنوع استفاده شود. همچنین در کنار آن با توجه به یافته های پژوهشی، فرآیند تفکر خلاق و مهارتهای خلاقیت جداگانه به دانش آموزان آموخته شود، میتوانیم شاهد شکوفایی استعدادهای خلاقانه دانش آموزان باشیم. مسلماً این امر در صورت برخورداری از حمایت اجتماعی و وجود فرهنگ، رسانه ها، خانوادهها و سازمانهای حامی خلاقیت میتواند در مدت کوتاهی جامعه خلاق و مبتکر و به تبع آن توانمند در اقتصاد، صنعت، حل مسائل فرهنگی و اجتماعی و توسعه یافته ایجاد کند.

پیشنهادهات:

عدم تحمیل مطالب مورد یادگیری به دانشآموزان.

گسترش و توسعه مهارتهای تفکر انتقادی در بین فراگیران.

توجه به ساختار دانش به جای یادآوری و بازیابی مجدد دانش.

منابع فارسی

آقازاده، احمد (۱۳۸۳). مسائل آموزش و پرورش ایران. تهران: انتشارات سمت

آقا زاده، محرم (۱۳۸۸). راهنمای روشهای نوین تدریس: بر پایه پژوهش های مغزمحوری، ساختن گرایی، یادگیری از طریق همیاری، فراشناخت و ...، نشر آبیژ

احدی، حسن و فخری، محمد کاظم (۱۳۸۷). خلاقیت. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

باباپور و اجاری، مریم (۱۳۹۰). اثر بخشی آموزش خلاقیت بر صلاحیت های حرفه ای معلمان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تبریز.

بابا محمدی، حسن و حاجی آقا خانی، سعید (۱۳۸۱). مقایسه تأثیر دو روش آموزش کلاسیک و مبتنی بر استراتژیهای تفکر انتقادی بر میزان یادگیری پایدار دانشجویان پرستاری، سمنان: دانشگاه علوم پزشکی، ص ۵۶.

بودر، آلن (۱۳۵۸). خلاقیت در آموزشگاه. ترجمه علی خان زاده تهران: انتشارات سمت

بهرنگی، محسن؛ و آقاییاری، طیبه (۱۳۷۸). تحول ناشی از تدریس مشارکتی در وضعیت سنتی تدریس. فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۰ سال سوم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

پاشا شریفی، حسن (۱۳۸۲). نظریه و کاربرد آزمون های هوش و شخصیت. تهران: انتشارات سخن

پاشا شریفی، حسن (۱۳۸۳). رابطه خلاقیت و ویژگی های شخصیتی دانش آموزان دبیرستانی های تهران. فصلنامه نو آوری های آموزشی، شماره ۷.

پارسا، محمد (۱۳۷۸). کاربرد روانشناسی در تدریس. تهران: انتشارات سخن

تقی پور ظهیر، علی (۱۳۷۷). مقدمه ای بر برنامه ریزی، آموزشی و درسی. تهران: انتشارات آگاه

جهانی، جعفر (۱۳۸۰). نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزش تفکر انتقادی لیپمن. رساله دکتری، دانشگاه تهران.

جهانی، جعفر (۱۳۸۳). نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزشی تفکر انتقادی ماتیلولیمپن. فصلنامه علمی- پژوهی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س).

چراغ چشم، عباس (۱۳۸۶). بررسی تاثیر شیوه های تدریس مبتنی بر تکنیک های خلاقیت در آموزش و یادگیری دانش آموزان. دو فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۵.

حبیبی پور، مجید (۱۳۸۴). آموزش تفکر به دانش آموزان. چاپ سوم، تهران: انتشارات سورنا

حسینی، افضل السادات (۱۳۷۸). ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن. مشهد: انتشارات اُستان قدس رضوی.

حیدری فارفار، علی اکبر (۱۳۸۵). تعیین تاثیر روش آموزش حل مسئله بر خلاقیت دانش آموزان دختر و پسر کلاس سوم راهنمایی سهرستان مراغه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

حق شناس، مرجان (۱۳۷۸). خلاقیت در آموزش و پرورش. مجله مدیریت در آموزش و پرورش. وزارت آموزش و پرورش. دوره ششم، شماره ۲۴ و ۲۳

حقایق، سیروس (۱۳۸۳). ویژگی های سازمان صنعتی خلاق و نو آوری (سایت اینترنتی).

خانیا، سعید (۱۳۵۹). اثر بارش مغزی بر پرورش خلاقیت. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

دهقانی زاده، حسینعلی (۱۳۸۵). بررسی تاثیر آموزش مهارتهای زندگی (مهارت حل مساله و تصمیم گیری و...) بر افزایش خلاقیت دانش آموزان پسر پایه پنجم ابتدای شهر یزد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.

رئیس دانا، فرخ لقا (۱۳۷۹). باید و نبایدهای زمینه ساز خلاقیت در برنامه های درسی، رشد تکنولوژی آموزش. دوره پانزدهم، اردیبهشت ماه، شماره مسلسل ۱۲۵.

رضائی، عباس (۱۳۸۸). فرزند پروری والدین در مدارس مطلق راهنمایی پسرانه و دخترانه استعداد های درخشان شهر ارومیه. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه ارومیه.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

ساختمانیان ، محمد (۱۳۷۲). بررسی و مقایسه آموزش عادی و فعال در رشد شکوفایی خلاقیت دانش آموزان پسر کلاس های سوم ابتدایی مدارس غیر انتقای شهرستان شیراز در سال تحصیلی ۷۴-۷۳. پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه علامه طباطبایی .

سیف، علی اکبر(۱۳۷۹). روانشناسی تربیتی. چاپ نهم. تهران: آگاه.

سن باوبلی، شهناز(۱۳۷۸). پرورش روحیه خلاق و روحیه علمی دانشآموزان، تحقیق. (چاپ نشده). شورای تحقیقات استان آذربایجانشرقی.

سلیمانی، افشین(۱۳۸۱). کلاس خلاقیت. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

سادات حسینی، اکرم السادات و معماریان، ربابه(۱۳۸۸). تاثیر بکارگیری الگوی بدیعه پردازی در آموزش مفهوم مراقبت تسکینی در کودکان بر خلاقیت نوشتاری و عملکرد تحصیلی دانشجویان پرستاری، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۲۳.

شعبانی، حسن (۱۳۸۰). تاثیر روش حل مسئله به صورت گروهی بر روی تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی در شهر تهران. رساله دکتری چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس.

شعبانی، حسن(۱۳۸۸). روش تدریس پیشرفته. تهران: انتشارات سمت.

شریعتمداری، علی(۱۳۸۲). روانشناسی تربیتی. تهران: امیرکبیر.

شیخ محسنی، فاطمه(۱۳۸۶). بررسی تأثیر روش تدریس فعال(روش بودمانی)و روش تدریس سنتی در علوم، بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانشآموزان دختر پایه پنجم شهرستان اقلید. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

شهر آرای، مهرناز و مدنی پور، رضا(۱۳۷۵). سازمان خلاقیت ونو آوری. مجله دانش مدیریت. شماره ۳۳

شریفی، علی اکبر و داودی، رقیه(۱۳۸۸). مقایسه تاثیر سه روش پرورش خلاقیت در افزایش خلاقیت دانش آموزان پایه دوم راهنمایی. فصلنامه روانشناسی بالینی ایران، شماره

صادق زاده، اکرم(۱۳۸۸). بررسی میزان توجه به پرورش خلاقیت در برنامه درسی تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی در سال ۸۸-۸۷. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز .

عباسی، عفت(۱۳۸۰). بررسی مهارت های موثر بر پرورش تفکر انتقادی در برنامه درسی جامعه شناسی در دوره متوسطه در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹. تهران: دانشگاه تربیت معلم، (پایان نامه دکتری).

عباسی، عفت(۱۳۸۰). بررسی مهارتهای مؤثر بر پرورش تفکر انتقادی در برنامه درسی جامعهشناسی در دوره متوسطه، رساله‌ی دوره دکتری، تهران: دانشگاه تربیت معلم

فتحی آذر، اسکندر(۱۳۸۲). روشها و فنون تدریس. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

قاسم زاده، حسن (۱۳۷۵). شکوفای خلاقیت کودکان. تهران: نشر دنیای نو.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

- قاسم زاده، حسن (۱۳۷۵). استعداد ها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آزمون و پرورش آنها. تهران: نشر دنیای نو.
- کاظمی، یحیی و جعفری، نرگس (۱۳۸۷). بازدارنده های خلاقیت دانش آموزان فعالیت ها و ویژگی های معلم. فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی، شماره ۱۴.
- مایرزینو، رابرت جی و دیگران (۱۳۸۰). ابعاد تفکر در برنامه‌ریزی و تدریس، ترجمه قدسی احقر، تهران: یسپرون.
- مرعشی، منصور (۱۳۷۸). خلاقیت و ویژگی های آن. ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، دوره پانزدهم، شماره مسلسل ۱۱۹.
- مردانی نوکنده، محمد حسین (۱۳۸۳). روشهای کاربردی پرورش خلاقیت در دانش آموزان. ماهنامه پرورشی تربیت، سال بیستم، شماره.
- محمد زاده، مه‌ری (۱۳۸۳). پرورش خلاقیت شخصی دانش آموزان. ماهنامه رشد معلم، شماره ۴، شماره مسلسل ۱۸۷.
- میر کمالی، سید محمد و خورشیدی، عباس (۱۳۸۸). عوامل موثر در پرورش خلاقیت دانش آموزان دوره ابتدایی استان گیلان. فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی، سال سی و نهم، شماره ۲.
- مارزینو، رابرت جی و دیگران (۱۳۸۰). ابعاد تفکر در برنامه ریزی و تدریس. ترجمه قدسی احقر، تهران: یسپرون.
- ملکی، حسن (۱۳۷۴). برنامه ریزی درسی. تهران: انتشارات مدرسه
- ناظری، مهرداد (۱۳۸۷). جامعه شناسی آموزش و پرورش در مدرسه خلاق. تهران: انتشارات سورنا.
- وکیلیان، منوچهر (۱۳۸۸). روشها و فنون تدریس. چاپ پنجم، تهران: انتشارات پیام نور.
- وکیلیان، منوچهر (۱۳۸۸). روشها و فنون تدریس. چاپ پنجم، تهران: انتشارات پیام نور.
- هاشمیان نژاد، فریده (۱۳۸۰). ارائه چهار چوب نظری در خصوص برنامه درسی مبتنی بر تفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تأکید بر برنامه درسی مطالعات اجتماعی، رساله دکتری، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.